

تحلیل پیامدها، معیارها و مصادیق اسراف از منظر روایات

یاسین*

چکیده

اسراف به معنی وسیع کلمه هرگونه تجاوز از حد در هر کاری است که انسان انجام می‌دهد ولی غالباً این کلمه در مورد هزینه‌ها و خرجها گفته می‌شود. اسراف و تبذیر مورد مذمت و نکوهش اسلام قرار گرفته است و قرآن کریم با عبارتهای گوناگون، مسلمانان را از این بلای خانمان‌سوز بر حذر داشته است و می‌فرماید: که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد. روایات اهل بیت (ع) برای پیامدهایی برای اسراف بیان نموده که به دو گونه تقسیم می‌شود: پیامدهای دنیوی که از جمله کم برکتی، زوال نعمت، فقر، نابودی امکانات... می‌باشند و پیامدهای اخروی که از جمله خشم الهی، ذلت و خواری در قیامت، ورود در آتش جهنم می‌باشند. اگر چه اسراف به معنای گسترده هرگونه تجاوز از حد در هر کاری است که انسان انجام می‌دهد اما بیشتر در مورد هزینه‌ها و خرج‌های مالی گفته می‌شود. بنابراین، مصرف هرگونه کالایی که حرمت شرعی دارد، نوعی اسراف است. از سوی دیگر، تشخیص موضوع‌های گوناگون احکام، بیشتر به عهده عرف و مکلف گذاشته شده است؛ در عین حال، برای ضابطه‌مند کردن تشخیص عرفی، در روایات اهل بیت (ع) چهار چیز (تضییع، امکانات مادی بیش از نیاز، صرف مال در معصیت و عدم رعایت اولویت در به کاری گیری سرمایه‌های شخصی و ملی) معیارهای اسراف بیان شده است.

واژگان کلیدی: اسراف، تبذیر، مسرف، پیامدهای دنیوی، پیامدهای اخروی



مقدمه

در نظر اسلام افراط و تفریط و خارج شدن از خط اعتدال در هر کاری مذموم و ناپسند است. زیست شایسته در سایه معتدلانه حرکت کردن و مقتصد بودن امکان‌پذیر است. بدون تردید نعمت‌های موجود در کره زمین از طرف خداوند به گونه‌ای تنظیم و تقدیر شده است که برای ساکنان زمین کافی است و همه می‌توانند در سایه بهره‌گیری درست از آن نعمت‌ها استفاده بهینه ببرند، لیکن خرج‌های بیهوده و مصرف کردن‌های بی‌اندازه این نعمت را هدر می‌دهد و چه بسا اسراف و تبذیر برخی انسانها موجب محرومیت انسان‌های دیگری در جامعه می‌شود. و همچنین درست مصرف نکردن از منابع طبیعی و نعمت‌های خدادادی نسل‌های آینده را دچار محرومیت و تهدید قرار می‌دهد. به این علت قرآن کریم با عبارت‌های گوناگون، انسان را از این بلای خانمان سوز و جهان سوز پرهیز داده و فرموده است: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.

قرآن مجید اسرافکاران را از چهره‌های منفور نزد خداوند متعال معرفی کرده زیرا آنها با این رفتار شیطانی حد و حدود و رهنمودهای حکیمانه‌ی خداوند را نادیده گرفته‌اند. بدیهی است آن‌که قوانین انسان ساز و جامعه ساز خداوند را رعایت نمی‌کند نزد قانونگذار عالم و عادل چهره ناپسند و مبعوضی خواهد داشت. قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (یونس/۸۳) فرعون، برتری‌جویی در زمین داشت و از اسرافکاران بود. اسراف‌کاری را روش فرعون می‌شمارد و اسراف را یک برنامه فرعونی قلمداد می‌کند. جالب است بدانید که خداوند در سوره یونس وقتی سخن از فرعون به میان می‌آورد، اول او را اسراف‌کار می‌خواند: «إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ». و در آیه بعد او را ظالم و ستمگر می‌شمارد: (لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) (همان/۸۵)، و در آیه سوم او را کافر می‌خواند: (وَ نَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (همان/۸۶)؛ و ما را به رحمت خود از گروه کافران نجات بده. این تفاوت تعبیرات، شاید به این جهت باشد که انسان در مسیر گناه و خطا نخست از «اسراف»؛ یعنی تجاوز از حد و مرزها شروع می‌کند، بعد بنای «ستمکاری» می‌گذارد و



سرانجام کارش به «کفر و انکار» منتهی می‌شود. اگر چه اسراف به معنای گسترده هرگونه تجاوز از حد در هر کاری است که انسان انجام می‌دهد اما بیشتر در مورد هزینه‌ها و خرج‌های مالی گفته می‌شود و حتی انفاق و کارهای خوب نیز شامل می‌شود. بنابراین، مصرف هر گونه کالایی که حرمت شرعی دارد، نوعی اسراف است. از سوی دیگر، تشخیص موضوع‌های گوناگون احکام، بیشتر به عهده عرف و مکلف گذاشته شده است؛ در عین حال، برای ضابطه مند کردن تشخیص عرفی، در روایات اهل بیت (ص) معیارهای بیان شده است.

گفتار اول: پیامدهای اسراف و تبذیر

۱. پیامدهای دنیوی

۱-۱. کم برکتی

مهم‌ترین خواسته‌های بشر، خیر و برکت است که همه انسان‌ها با هر عقیده و اندیشه دینی، خواستار این دو در زندگی خود هستند و در محاورات روزمره خود از آن به طور فراوان استفاده می‌کنند ولی این خواسته گاه بواسطه عواملی از جمله اسراف محقق نمی‌شود.

اسراف، عملی مخالف تقوا و دستورات و سفارش‌های خدا و اولیای الهی است و باعث می‌شود برکت از زندگی انسان رخت بریندد. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: **إِنَّ مَعَ الْأَسْرَافِ قِلَّةَ الْبِرِّكَةِ**؛ همانا اسراف همراه با کاهش برکت است. (کلینی، محمدبن یعقوب،

الکافی، ج ۴، ص ۵۵)

۱-۲. زوال نعمت

یکی از آثار شوم اسراف و تبذیر تباهی و زوال نعمت است. امام علی علیه‌السلام فرمودند: **«الْقَصْدُ مَثْرَاءٌ وَالسَّرْفُ مَثْوَاءٌ»** (حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۸) اعتدال و میانه‌روی موجب فراوانی مال و ثروت و اسراف باعث تباهی و نابودی آن است»

از امام کاظم علیه‌السلام نیز نقل شده که فرمودند: **«مَنْ اقْتَصَدَ وَقَنَعَ بَقِيَتْ عَلَيْهِ النُّعْمَةُ وَمَنْ بَدَّرَ وَأَسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النُّعْمَةُ»** (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۲۷) کسی

که میانه‌روی و قناعت ورزد، نعمتش باقی می‌ماند و آنکه تبذیر و اسراف کند، نعمتش زوال می‌پذیرد»

۱-۳. ورشکستگی (افلاس)

از دیگر آثار زیانبار افراط و ولخرجی که کم و بیش در اطراف خود به چشم دیده‌ایم، ورشکستگی است. خیلی از افراد به خاطر داشتن ثروت زیاد دست به انواع ریخت و پاشها و ولخرجی می‌زنند و چون دارای ثروت هستند، ترسی از آینده ندارند، غافل از اینکه ولخرجی موجب مفلسی و بینوایی است.

اگر این اسراف و ولخرجی از حد اعتدال و میانه‌روی تجاوز کند و فرد مسرف به ریخت و پاش خود مغرورانه افتخار کند، طولی نمی‌کشد که استخوانهای او زیر ضربات سهمگین ورشکستگی مالی خورد شده و به خاک مذلت کشیده می‌شود.

امام علی علیه‌السلام فرمودند: مَنْ افْتَخَرَ بِالتَّبَذِيرِ اِحْتَقَرَ بِالْاِفْلَاسِ؛ (ری شهری، محمد، میزان الحکمه ج ۱، ص ۵۲۸) هر کس به ریخت و پاش افتخار کند، با تهیدستی (ورشکستگی) کوچک می‌شود»

۱-۴. فقر

بی‌شک یکی از عوامل مهم فقر و تنگدستی در جهان، اسراف و تبذیر است. آنهایی که دست به ولخرجی و ریخت و پاشهای بی‌حد و حساب می‌زنند و با اسراف، امکانات مادی بیشتری را صرف هوسهای خود می‌کنند، سرانجامی جز تهیدستی و شکست اقتصادی در انتظارشان نیست.

امام علی علیه‌السلام فرمودند: «سَبَبُ الْفَقْرِ الْاِسْرَافُ؛ (تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم، ج ۴، ص ۱۶۵۲) اسراف سبب فقر است». همچنین امام صادق علیه‌السلام به عبید فرمودند: «بَا عُبَيْدُ اِنَّ السَّرْفَ يُوْرِثُ الْفَقْرَ وَاِنَّ الْقَصْدَ يُوْرِثُ الْغِنَى؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۵۳) ای عبید! اسراف باعث فقر می‌شود و میانه‌روی موجب بی‌نیازی می‌گردد». امام کاظم علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «من اقتصد و قنع، بقیة علیة النعمة و من بذر و اسرف زالت عنه النعمة؛ (صدوق، محمدبن علی، من

لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۱) میانه روی و قناعت سبب بقای نعمت و تبتذیر و اسراف سبب زوال نعمت می شود».

۱-۵. نابودی امکانات

از جمله آثار ولخرجی، نابودی امکانات است. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «الْأَسْرَافُ يُفْنِي الْجَزِيلَ» (تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم ج ۱ ص ۳۵) اسراف، [امکانات] زیاد را نابود می سازد». همچنین حضرت در مقام دیگر فرمودند: «الْأَسْرَافُ يُفْنِي الْكَثِيرَ» (همان، ص ۳۶) اسراف، [مال] زیاد را نابود می کند». جزیل در لغت به معنای بزرگی و فراوانی و... آمده است، اگر کسی را خداوند به او مال و اعتبار فراوانی داده باشد به واسطه اسراف در زندگی، آن اعطاء خداوند را از دست می دهد. لفظ جزیل برای اعطا مال و اعتبار استعمال گردیده است که شامل امور معنوی نیز می گردد اما لفظ کثیر فقط برای مال و مادیات استعمال می گردد.

۱-۶. بخل

یکی از صفات اخلاقی که مورد توجه دین و اولیای الهی قرار گرفته است و ائمه معصومین علیهم السلام آن را بخشی از سیره و روش خود قرار داده بودند، جود و بخشش است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ولخرجی و افراط در مصرف، یکی از آفتهای این فضیلت اخلاقی بیان شده است: «آفَةُ الْجُودِ الْسَّرْفُ» (ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحة، ج ۱، ص ۱۵۵) اسراف آفت سخاوت است». یعنی، اسراف و تبتذیر باعث می شود که فرد نتواند جود و بخشش داشته باشد و به این صفت اخلاقی عمل کند و در واقع دچار صفت رذیله بخل می شود.

۱-۷. بیماری جسمی

امروزه پژوهشهای دانشمندان به این نتیجه رسیده که سرچشمه بسیاری از بیماریها، غذاهای اضافی است که به صورت جذب نشده در بدن باقی می ماند. این مواد اضافی هم بار سنگینی برای قلب و سایر دستگاههای بدن است و هم منبع آماده ای برای انواع عفونتها و بیماریها است.

عامل اصلی تشکیل این مواد مزاحم، اسراف و زیاده‌روی در تغذیه و به اصطلاح «پرخوری» است و برای جلوگیری از آن راهی جز رعایت اعتدال در غذا نیست.

علی بن حسین واقد در جواب پزشک مسیحی که پرسید: در کتاب شما «قرآن کریم» چیزی از علم طب نیست، در حالی که علم دو تاست، علم پزشکی و علم ادیان. گفت: خداوند تمام پزشکی را در نصف آیه جمع کرده است: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»؛ (اعراف/۳۱) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.» و پیامبر ما تمام پزشکی را در یک جمله خلاصه کردند و فرمودند: الْمِعْدَةُ بَيْتُ الدَّاءِ وَالْحَمِيَّةُ هِيَ دَوَاءٌ؛ (صدوق، محمد بن علی، خصال، ج ۲، ص ۵۱۱) معده خانه بیماری و پرهیز داروست.

حضرت علی علیه السلام نیز فرمودند: «عليكم بالقصد في المطاعم، فانه ابعد من السرف واصح للبدن»؛ (تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم، ج ۲، ص ۴۸۴) بر شما باد رعایت میانه روی در مصرف غذاها در جایی که اطعام می شود، زیرا اقتصاد و میانه روی دور از اسراف و زیاده روی است و برای سلامت بدن بهتر است. آنحضرت علیه السلام در مقام دیگریمی فرماید: «من کثر اكله قلت صحته و ثقلت علی نفسه مؤتته»؛ (نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۱۴) هر که خوراکش زیاد باشد، سلامتی اش کم باشد و بار زندگی بر دوش او سنگین شود.

۱-۸. برادر شیاطین

یکی از پیامد های دنیوی اسراف قرار گرفتن در مسیر شیطان است. از این رو قرآن مجید اسرافکاران را برادر شیطان خوانده است: «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»؛ همانا اسرافکاران برادران شیاطینند و شیطان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس بود. (سوره اعراف/۲۷)

کلمه «اخ» در عربی هم به معنای برادر آمده است، و هم به معنای ملازم و همراه. مانند «اخوالسفر» به کسی که پیوسته در سفر است، «اخوالکرم» که به انسان کریم گفته می شود. «اخوان الشیاطین» یعنی کسانی که در مسیر شیطان و همراه اویند. (فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۲۰، ص ۳۲۹)



قرآن کریم پیوسته از وسوسه و ولایت شیطان بر افراد، سخن به میان آورده است؛ اما تنها موردی که «اخوان الشیطان» آمده، این آیه است؛ یعنی اسراف کاران همکار شیطانند، نه تحت امر او. پس کار از وسوسه شدن و پیروی گذشته و به مرحله همکاری و معاونت رسیده است.

گرچه تبذیر بیشتر در مسائل مالی است؛ ولی در مورد نعمتهای دیگر نیز وجود دارد، مانند بیهوده گذراندن عمر و جوانی، به کار گرفتن فکر، چشم، گوش و زبان در راه ناصحیح، سپردن مسؤولیت‌ها به افراد ناصالح، پذیرش مسؤولیت بدون لیاقت و بیش از حد توان و ظرفیت، آموزش و آموختن مطالب غیر ضروری و غیر مفید و امثال اینها. (طیب، سید عبدالحسین، تفسیر اطیب البیان و فرقان اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۴۲) همچنین تبذیر در مورد خرج کردن مال در راه نادرست نیز آمده است. چنانچه پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «يَا عَلِيُّ... إِذَا خَرَجْتَ فِي سَفَرٍ فَلَا تُجَامِعَ أَهْلَكَ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ فَإِنَّهُ إِنْ قَضَىٰ بَيْنَكُمْ وَلَدٌ يُنْفِقُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقٍّ وَ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ (إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ)» (مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ص ۱۳۴) ای علی (علیه السلام)! ... هرگاه به خاطر سفری از منزل خارج شدی در آن شب با همسرت نزدیکی نکن؛ زیرا اگر فرزندی متولد شود، مال را در راه نادرست خرج خواهد کرد. و این آیه را رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرائت فرمود: إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ.

پس براین اساس اسراف کردن در واقع پیروی از شیطان می باشد. در روایت نیز به این مطلب اشاره شده است. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا مُبْتَلًى بِالْوَضُوءِ وَالصَّلَاةِ وَقُلْتُ هُوَ رَجُلٌ عَاقِلٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ أَيُّ عَقْلٍ لَهُ وَ هُوَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ؟ فَقَالَ سَلُّهُ هَذَا الَّذِي يَأْتِيهِ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ هُوَ فَإِنَّهُ يَقُولُ لَكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۱۲)

از عبد الله بن سنان روایت شده است که من از مردی نزد امام صادق علیه السلام یاد کردم که در وضو و نمازش گرفتار وسواس است و گفتم که او مردی عاقل است. حضرت فرمود: «چه عقلی دارد که فرمانبری شیطان می کند؟ عرض کردم: چگونه فرمانبری شیطان می

کند؟ فرمود: از او پیرس وسوسه ای که به وی دست می دهد از چیست؟ قطعاً به تو خواهد گفت: کار شیطان است».

هرچند که در ظاهر این روایات فرمانبری شیطان به علت اسراف در آب بیان نشده است ولی چون روایات دیگری مصرف زیاد آب در وضو را اسراف خوانده است، می توان گفت در این حدیث نیز یکی از علل هایی که امام، شخص وسواس را فرمانبردار شیطان قرار داده اند اسراف در آب می باشد. در روایت آمده است که عبدالله بن عمر می گوید: «مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَعْدٍ وَهُوَ يَتَوَضَّأُ، فَقَالَ: لَا تَسْرِفْ يَا سَعْدُ! قَالَ: أَفَى الْوُضُوءِ سَرْفٌ؟ قَالَ: نَعَمْ وَأَنْ كُنْتَ عَلَى نَهْرٍ جَارٍ» (فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۲۰، ص ۳۲۹)؛ پیامبر اکرم (ص) از راهی می گذشت که «سعد» را در حال وضو گرفتن دید. فرمود: «ای سعد! اسراف مکن؛ سعد گفت: ای پیامبر خدا! آیا در وضو هم اسراف است؟ حضرت فرمود: آری، گر چه در کنار نهری باشی» از امام صادق (ع) نیز روایتی به این مضمون نقل شده است: «إِنَّ لِلَّهِ مَلَكَاً يَكْتُبُ سَرْفَ الْوُضُوءِ كَمَا يَكْتُبُ عُدْوَانَهُ» خداوند را فرشته ای است که اسراف در وضو را می نویسد، همان گونه که تجاوز از حدود وضو را می نویسد. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳، ص ۲۲)

از مجموع این روایت ها به خوبی این مطلب به دست می آید که یکی از راه های تسلط شیطان بر انسان اسراف می باشد. از این رو امام حسن عسکری (ع) می فرماید: «عَلَيْكَ بِالْإِقْتِسَادِ وَإِيَّاكَ وَالْإِسْرَافَ فَإِنَّهُ مِنْ فِعْلِ الشَّيْطَانَةِ». (مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۹۲) بر تو باد به میانه روی و پرهیز کن از اسراف زیرا اسراف از کارهای شیطان است. از این حدیث شریف معلوم می شود میانه روی و اعتدال یک رفتار سالم اجتماعی است و اسراف و تبذیر یک رفتار نادرست بلکه یک رفتار شیطانی است که انسان از او تبعیت می کند. ترک این رفتار شیطانی (اسراف) نزد اهل بیت اطهار (ع) به اندازه ای اهمیت دارد که امام معصوم (ع) با استفاده از واژه «ایاک» مردم را از آن هشدار می دهد.

۲. پیامدهای اخروی

در قرآن کریم و روایات برای اسراف و تبذیر آثار اخروی نیز بیان شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۲-۱. خشم الهی

اسراف کار از رحمت خداوند دور بوده، گرفتار خشم الهی می‌شود، همان گونه که در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ (اعراف/۳۱) زیاده‌روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست ندارد. امام جعفر صادق علیه‌السلام هم در این زمینه فرمودند: «إِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ»؛ (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۰۱) اسراف از اموری است که مورد غضب خداست.

۲-۲. ذلت و خواری در قیامت

وقتی امیرمؤمنان علیه‌السلام در عطایای بیت المال رعایت مساوات کردند، عده‌ای از خودخواهان بر حضرت ایراد گرفته، آن را برخلاف سیاست دانستند. حضرت ضمن ایراد خطبه‌ای به آنها فرمود: «أَلَا وَإِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَيُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَيُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَلَمْ يَضَعْ أَمْرٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَلَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَكَانَ لِغَيْرِهِمْ وَذُهُمُ...»؛ (رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶) آگاه باشید که بخشیدن مال در غیر حقش تبذیر و اسراف است. این کار در دنیا انجام دهنده آن را بالا می‌برد ولی در آخرت موجب سرافکنندگی وی می‌گردد و در میان مردم گرامیش می‌نماید ولی در نزد خداوند خوارش می‌سازد. هیچ کس مال خودش را در غیر مورد حقش مصرف نکرد و به غیراهلش نسپرد جز اینکه خداوند او را از سپاس‌گذاری آنان محروم ساخت و محبتشان با دیگری بود.

۲-۳. ورود در آتش جهنم

خداوند متعال در قرآن مجید اسراف‌کنندگان را اهل دوزخ خوانده و می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»؛ (سوره غافر، آیه ۴۳) و مسرفان اهل آتشند. حضرت علی علیه‌السلام نیز درباره سرانجام اسراف‌کنندگان فرمودند: النار غاية المفراطین؛ (تمیمی

آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرالحکم، ج ۱، ص ۲۰) سرانجام افراد تندرو، هلاکت و آتش جهنم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: من بنی بنیانا ریاء و سمعة حمله یوم القیامة الی سبع أرضین ثم یطوقه ناراً توقد فی عنقه ثم یرمی به فی النار فقلنا: یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم کیف یبنی ریاء و سمعة؟ فقال: یبنی فضلاً علی ما یکفیه او یبنی مباحاً؛ (حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۸) هر کسی که ساختمانی را از روی ریا و سمعه (شنواندن به مردم کارهایی را که مایه کسب جاه است) بسازد باید آن را در قیامت تا هفت طبقه زمین حمل کند و بر گردش آتشی آویزان خواهد شد و به داخل آتش جهنم انداخته می شود. از حضرت سؤال شد، مراد از ریاء و سمعه چیست؟ فرمود: این که ساختمانی بسازد بیش از نیازش تا بر دیگران فخر کند.

گفتار دوم: معیارهای تشخیص اسراف

اگر چه اسراف به معنای گسترده هرگونه تجاوز از حد در هر کاری است که انسان انجام می دهد اما بیشتر در مورد هزینه ها و خرج های مالی گفته می شود و حتی انفاق و کارهای خوب نیز شامل می شود. بنابراین، مصرف هر گونه کالایی که حرمت شرعی دارد، نوعی اسراف است. از سوی دیگر، تشخیص موضوع های گوناگون احکام، بیشتر به عهده عرف و مکلف گذاشته شده است؛ در عین حال، برای ضابطه مند کردن تشخیص عرفی، در روایات اهل بیت (ص) معیارهای بیان شده است.

۱. تضييع

یکی از معیارهای اسراف که در روایات به آن تصریح شده تضييع است. واژه (تضييع) به معنای فنا کردن و از بین بردن مال است. به این دلیل هرگاه مصرف کالا به گونه ای باشد که بخشی از آن هر چند اندک تضييع شود، اسراف خواهد بود. چنانچه امام صادق «ع» در این باره می فرماید: «إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاءَ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ وَ حَتَّى صَبَّكَ فَضَلَّ شَرَابَكَ» (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج



میان‌ه روی چیزی است که خدای بزرگ و والا آن را دوست دارد و اسراف را ناخوش، حتی دور انداختن هسته (خرما و میوه) را؛ زیرا آن نیز به کاری می‌آید و حتی دور ریختن ته مانده نوشیدنی ات را. بر اساس این معیار، تضييع عمدي اموال و به طور كلي تضييع هر چیزی که قابلیت استفاده دارد، اسراف به شمار می‌آید.

۲. امکانات مادی بیش از نیاز

استفاده از امکانات مادی بیش از نیاز، مانند خوردن بیش از اندازه نیاز یا ساختن منزلی بسیار وسیع که به همه آن به هیچ وجه نیازی نیست، اسراف به شمار می‌آید. از این رو امام علی (ع) در این مورد فرموده است: «مَا فَوْقَ الْكَفَافِ إِسْرَافٌ» (نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۷۲) بیش از اندازه کفاف، اسراف است.

۳. صرف مال در معصیت

به تصریح روایات اهل بیت (ع) صرف مال در راه گناه اسراف می‌باشد. فرقی هم نمی‌کند که مثل پرداخت وجه برای خرید مشروبات الکلی، مقدمه معصیت باشد یا مثل رشوه، معصیت مستقل. چنانچه امام صادق در مورد آیه «وَلَا تُبَدِّرْ تَبَدِّيراً» می‌فرماید: «مَنْ أَنْفَقَ شَيْئاً فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَدِّرٌ، وَ مَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ» (بحرانی، هاشم بن سلیمان، تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۵۲۳) کسی که در غیر طاعت خدا خرج کند تبذیر کننده است و کسی که در راه خیر خرج کند میانه روی را پیشه خود کرده است.

۴. عدم رعایت اولویت در به‌کاری‌گیری سرمایه‌های شخصی و ملی

اگر سرمایه ملی یا شخصی با وجود نیازهای ضرور، به موارد غیر ضرور تخصیص اسراف به شمار می‌آید. چنانچه نقل شده است که گروهی از شیعیان خدمت امام علی (ع) آمدند و عرض کردند چه خوب بود این اموال را از بیت المال خارج و بین رؤسا و اشراف تقسیم می‌کردی و آنها را بر ما برتری می‌دادی، تا آن‌گاه که ریشه‌های حکومت محکم شود، به بهترین شیوه‌ای که خداوند به تو تعلیم داده (تقسیم به تساوی میان مردم) باز می‌گشتی. امام (ع) در پاسخ آنان می‌فرماید: «لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ! أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبَدِيرٌ وَ إِسْرَافٌ» (رضی، محمد بن حسین، نهج

البلاغه، ج، ۱ ص ۱۸۳) اگر مال، مال خودم بود به تساوی بین آنان تقسیم می‌کردم، چه رسد به اینکه این مال، مال خداوند است! آگاه باشید که صرف مال در غیر حق آن، تبذیر و اسراف است. آن حضرت در جای دیگری نیز فرموده است: «مَنْ كَانَ فِيكُمْ لَهُ مَالٌ فَيَأْتَهُ وَ الْفَسَادَ فَإِنَّ إِعْطَاءَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ» (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۴ ص ۳۱) هر کسی از شما اموالی دارد از فساد و اسراف پرهیز کند. همانا صرف آن در غیر حق آن تبذیر و اسراف است. از مجموع روایات استفاده می‌شود که عدم رعایت اولویت در به کار گیری سرمایه شخصی و ملی، اسراف می‌باشد. چنانچه امام علی در حدیث دیگری به این مطلب اشاره می‌فرماید: «مَنْ إِشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِّ ضَيَّعَ الْأَهْمَّ» (تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم، ج، ۱ ص ۶۲۶) کسی که به غیر مهم پردازد، مهم تر را تضييع کرده است.

گفتار سوم: مصادیق اسراف

معمولاً مردم وقتی واژه «اسراف» را می‌شنوند، تنها مواد خوردنی و نوشیدنی به ذهن شان خطور می‌کند در حالی که در روایات، اهل بیت اطهار (ع) به طور کلی از هر گونه زیاده‌روی در مصرف و نابودی بی‌رویه مواهب طبیعی نهی کرده‌اند؛ حال چه این زیاده‌روی‌ها در مصارف روزمره باشد و یا در اموال عمومی و منابع طبیعی. در اینجا نمونه‌های اسراف در دو بخش ارائه داده می‌شود:

۱. اسراف در منابع طبیعی و اموال عمومی

۱-۱. آب

آب، ماده‌ای است که حیات همه موجودات وابسته به آن می‌باشد از این رو در روایات از اسراف و زیاده‌روی در مصرف آن، به خصوص هدر دادن آن بشدت نهی شده است. چنانچه امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَذْنَى الْإِسْرَافِ هِرَاقَةُ فَضْلِ الْإِنَاءِ» (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی ج ۶ ص ۴۶۰)؛ کمترین حد اسراف، دور ریختن ته مانده آب (ظرف) است. از برخی روایات استفاده می‌شود که اسراف آب، حتی در امور عبادی مثل وضو و غسل، خواه با هدر دادن آب و خواه با زیاده روی در شست و شوی اعضا حرام است؛ هر چند از



آب نهر جاری باشد. چنانچه نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) از راهی می‌گذشت که «سعد» را در حال وضو گرفتن دید. فرمود: «لَا تَسْرِفْ يَا سَعْدُ! قَالَ: أَفَى الْوُضُوءِ سَرْفٌ؟ قَالَ: نَعَمْ وَإِنْ كُنْتَ عَلَى نَهْرٍ جَارٍ»؛ ای سعد! اسراف مکن؛ سعد گفت: ای پیامبر خدا! آیا در وضو هم اسراف است؟ حضرت فرمود: آری، گر چه در کنار نهري باشی. اگر در مصرف آب برای وضو، آن هم در کنار نهر جاری و یا در دور ریختن باقی مانده آب در ظرف، اسراف است، پس به طریق اولی باز گذاشتن شیرآب و هدر دادن آن، اسراف محسوب می‌شود؛ بویژه در حال حاضر که به دلیل محدودیت منابع آبی، جهان در مرز بحران قرار دارد.

۱-۲. برق

از اکتشافات مهم بشری که تحولات شگرفی را در پی داشت، صنعت برق است. این منبع نور و گرما را که بشر با قدرت تفکر خدادادی کشف نمود، آن‌چنان تأثیر چشم‌گیری در زندگی او گذاشت که شاید تا کنون کمتر اختراعی چنین نقشی را ایفا کرده باشد. برق مانند صاعقه‌ای در ظلمت و تاریکی جهان درخشید و امروزه از ساده‌ترین وسایل زندگی تا پیچیده‌ترین آن‌ها در کارخانه‌ها، بیمارستان‌ها و... به وسیله نیروی برق، به حرکت در می‌آیند. صنعت برق، از صنایع ملی محسوب شده که با هزینه گزافی راه‌اندازی می‌شود. زیاده‌روی در مصرف آن علاوه بر آنکه ضررهای فراوانی به بیت‌المال وارد می‌سازد، محرومیت عده‌ای از هموطنان ما را نیز در برخورداری از این نعمت بزرگ موجب می‌گردد. لذا هر گونه زیاده‌روی در آن اسراف به حساب می‌آید. چنانچه امیر المومنین علی (ع) در این می‌فرماید: «خَمْسٌ تَذْهَبُ ضَيَاعًا: سِرَاجٌ تَقْدُهُ فِي الشَّمْسِ... وَ الْوُضُوءُ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ» (طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ج ۱ ص ۲۸۵)؛ پنج چیز ضایع می‌گردد: چراغی که آن را در (نور) خورشید برافروزی، ... و نوری که از آن استفاده نشود. در واقع، از این نوع، روایات معیارهای اسراف را بر استفاده نابجا از نور و چراغ دلالت می‌کنند. لذا هرگونه مصرف نادرست از انرژی و یا هدر دادن آن - که چراغ و نور هم نمونه‌ای از آن است - اسراف به شمار می‌آید.

۳-۱. جنگل و طبیعت

از بزرگترین نعمت‌هایی که خداوند متعال به انسان عطا فرموده است، گیاهان و درختانند. جنگلها و مرتعها نقش مهمی در زندگی انسان دارند؛ تولید اکسیژن و تصفیه هوا که سلامت و ادامه حیات جانداران به آن وابسته است، جلوگیری از فرسایش خاک، تأمین خوراک، پوشاک و بسیاری از لوازم و ابزار زندگی، راه‌اندازی صنایع بزرگ چوبی و در نتیجه اشتغال‌زایی سودمند تهیه داروهای گیاهی و شیمیایی، تأمین ماده خام کاغذ و... نمونه‌هایی از آثار ارزشمند آنهاست؛ که بررسی یکایک این آثار حیاتی، پژوهشی در خور و مستقل را می‌طلبد. بدون تردید اسراف در این نعمت بزرگ خداوند متعال که بخش زیادی از نیازهای بشر را برمی‌آورد، ناروا و مورد غضب خداوند متعال خواهد بود؛ چنانکه قرآن کریم فرموده است: وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَّعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الرَّزْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (انعام/۱۴۱) «او کسی است که درختان و باغهای خودرو و ناخودروییده و خرما و زراعت را که خوردنیهای آنها گوناگون است، و زیتون و انار شبیه هم و غیر شبیه به هم را بیافرید، پس از میوه‌های آنها هنگامی که میوه دهند بخورید و حق آن را روز چیدن و درو کردنش بدهید و اسراف نکنید که خدا اسراف‌کاران را دوست ندارد.» در روایت آمده است که وقتی مردی در مورد آیه شریفه «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» توضیح خواست. امام صادق (ع) فرمود: «كَانَ فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ الْأَنْصَارِيِّ سَمَاءَ كَانَ لَهُ حَرْثٌ وَ كَانَ إِذَا جَذَّهُ تَصَدَّقَ بِهِ وَ بَقِيَ هُوَ وَ عِيَالُهُ بِغَيْرِ شَيْءٍ فَجَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ سَرَفًا» (حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۹ ص ۲۰۳). فلان شخص از طایفه انصار کشت و زرع داشت. زمان برداشت همه چیزی باقی نمی‌ماند. خداوند متعال این عمل را از مصادیق اسراف بر شمرد. وقتی لحاظ کردن میانه روی در انفاق از محصولات اسراف شمار بیاد به طریق اولی هدر دادن محصولات، درخت و مانند آن اسراف به حساب می‌آید.



۴-۱. سایر اموال عمومی

اموال عمومی، تنها در نمونه‌های مورد اشاره منحصر نمی‌گردد، بلکه دایره آن وسیع بوده و شامل همه اموال ملی که مردم به شکلی به آن در ارتباطند می‌شود. دایره اموال عمومی، از کودک درون «مهد کودک» تا محصل «مدرسه» و دانشجوی «دانشگاه» را در برمی‌گیرد. و نیز از کارمند سطح پایین تا رئیس و مدیر کل یک «سازمان» و وزیر یک «وزارتخانه»، تشکیل «جلسات» کوچک تا «سمینارها» و «کنفرانسها» ی مهم، از «تلفن عمومی» کنار خیابان و «اتوبوس شهری» تا دستگاههای عظیم و «اموال» و وسایل دولتی در اختیار مسئولین و... را در خود جای می‌دهد.

بنابراین برای همه افراد جامعه ضروری است که اموال دولتی و ملی که متعلق به همه جامعه است، بیش از اموال شخصی اهمیت قایل شده و از اسراف در آن بپرهیزند.

۲. اسراف در مصارف روزمره

در این بخش، به بحث پیرامون اسرافهایی که در مصارف روزمره واقع می‌شود، پرداخته می‌شود.

۲-۱. مواد غذایی

یکی از مهمترین ضروریات هرانسان بعد از آب و هوا، مواد غذایی می باشد. به وسیله آنها جسم تقویت شده و آماده فعالیت و تلاش می‌گردد. خداوند متعال رزق دهنده همه موجودات هستند به این دلیل برای رزق همه موجودات زنده اهتمام کرده اند. چنانچه قرآن مجید در این مورد فرموده است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود/۶)؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست. در مقام دیگری می فرماید: كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (اعراف ۳۱) بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد. امام علی (ع) نیز می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْمَطَاعِمِ فَإِنَّهُ أَبْعَدُ مِنَ السَّرْفِ وَأَصْحَحُ لِلْبَدَنِ وَأَعْوَنُ عَلَى الْعِبَادَةِ» (تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۴۸)؛ بر شما باد رعایت میانه‌روی در مصرف غذاها؛ زیرا این عمل موجب دوری از اسراف و سلامتی بدن است.

اگرچه اسراف در همه مواد غذایی مذموم است، ولی در این میان آنها نان اهمیت ویژه ای دارد. زیرا نان از ارکان غذایی مردم است و در عین حال بیشترین اسراف نیز در مصرف نان صورت می‌گیرد. در مورد اهمیت نان، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «أَكْرَمُوا الْخُبْزَ فَإِنَّهُ قَدْ عَمِلَ فِيهِ مَا بَيْنَ الْعَرْشِ إِلَى الْأَرْضِ وَمَا فِيهَا» (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶ ص ۳۰۲)؛ «نان را گرامی دارید؛ زیرا از عرش تا زمین و آنچه در میان آن دو است برای به دست آوردن آن تلاش کرده‌اند.» بر این اساس، برای جلوگیری از اسراف نان برای هر انسان ضروری است که آن را به مقدار مصرف روزانه تهیه کنند و آنچه از آن اضافی می‌آید به مصرف مناسب دیگری رسانده شود.

۲-۲. لباس و پوشاک

لباس، ارمغانی الهی و مایه آراستگی و پوشش آدمی است و آموزه های اسلام بر میانه روی در استفاده از آن تأکید کرده و تجاوز از آن را اسراف دانسته اند. در روایات اهل بیت (ع) به انواع مختلف اسراف در لباس اشاره شده است:

۱. پوشیدن لباسی که در شأن انسان نیست

امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید: «لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثٌ عَلَامَاتٍ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ» (ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۱۶۷)؛ «مسرف را سه نشانه است؛ می‌خرد و می‌پوشد و می‌خورد، آنچه را که در شأن او نیست»

۲- استفاده نامناسب از لباس

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا السَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ ثَوْبَ صَوْنِكَ ثَوْبَ بَدْلَتِكَ» (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶ ص ۴۴۱) اسراف، پوشیدن لباس آبرو در محل کار و خدمت است»

۳- خودداری از دادن لباس اضافی به نیازمندان

امام سجّاد (ع) می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ فَضْلٌ ثَوْبٍ (وَ قَدَرَ أَنْ يَخْصَّ بِهِ مُؤْمِنًا يَحْتَاجُ) إِلَيْهِ فَلَمْ يَدْفَعْهُ إِلَيْهِ أَكْبَهُ اللَّهُ فِي النَّارِ عَلَى مَنْخَرِيهِ» (حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل



الشیعة ج ۵ ص ۱۱۵)؛ کسی که لباس اضافی دارد و قادر است مؤمن محتاجی را بپوشاند و این کار را نکند، خدا او را به رو به آتش درافکند.

۲-۳. مسکن

مسکن از ضروری‌ترین نیازهای هر بشر می باشد از این رو روایات اهل بیت (ع)، داشتن خانه بزرگ و وسیع را سعادت دانسته است. چنانچه پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «أَزْبَعُ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أَزْبَعُ مِنَ الشَّقَاوَةِ فَلَا زَبْعَ لِتِي مِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ...» (مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۵۴) چهار از سعادتند و چهار از بدبختی، آن چهار که سعادتند: زن شایسته، و مسکن واسع... اما از روایات به دست می آید که داشتن خانه بزرگ در صورتی پسندیده است که از راه حلال و با انگیزه پاک فراهم آمده و مناسب شأن و منزلت صاحبش بوده و از همه مهمتر وسیله‌ای برای کسب آخرت باشد. چنانچه امام علی (ع) وقتی که در بصره به عیادت علاء ابن زیاد تشریف بردند دیدند که او خانه بسیار وسیع و بزرگی درست کرده است فرمود: «مَا كُنْتَ تَصْنَعُ [بِسَعَةِ] هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا - [أَمَا] وَ أَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَجَ؛ وَ بَلَى إِنْ شِئْتَ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ تَقْرِي فِيهَا الضَّيْفَ وَ تَصِلُ فِيهَا الرَّحِمَ وَ تُطْلِعُ مِنْهَا الْحُقُوقَ مَطَالِعَهَا، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ» (رضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، خ ۲۰۹) ای علاء! با وسعت این منزل در دنیا چه می‌کنی در حالی که در آخرت بدان محتاج‌تری؟! اگر در آن از میهمان‌پذیرایی کنی و فامیل بی‌سرپناهی را جای دهی، و حقوق آنان را ادا نمایی، در این صورت از طریق این منزل، آخرت را کسب کرده‌ای. بله در جامعه‌ای که بسیاری از مردم فاقد مسکن مناسب هستند، ساختن خانه‌های که بیش از نیاز است بی‌تردید خروج از حد اعتدال و از مصادیق بارز اسراف خواهد بود. چنانچه پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «إِنَّ كُلَّ بِنَاءٍ وَبَالَ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَا لَا بُدَّ مِنْهُ». (نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ج ۳ ص ۴۶۷)؛ «بیشک هر منزلی فردای قیامت برای صاحبش وبال خواهد بود، مگر منزلی که به میزان نیاز ساخته شده باشد.» امام صادق (ع) نیز فرموده اند: كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالٌ

عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۵۳۱)؛ هر منزلی که بیشتر از حد کافی باشد، روز قیامت وبال صاحبش خواهد بود.

بنابراین، ساختن هر منزلی که از لحاظ کمی و کیفی به آن نیازی نیست، اسراف به حساب نیاز می آید. اما مقصود این نیست که اگر کسی خانه ی بزرگی را برای پذیرایی مهمانان و پیوند با خویشاوندان خویش درست کند. در اسراف شمرده شود چون این هم جزو نیازهای انسان به شمار می آید.

۲-۴. وسایل منزل

اسلام سعی و تلاش برای رفع احتیاجات خانواده را اهمیت زیادی داده است بلکه این کار را همدریف جهاد در راه خدا دانسته است. چنانچه امام صادق (ع) می فرماید: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (همان، ج ۵، ص ۸۸)؛ «کسی که در راه تأمین زندگی خانواده اش تلاش نماید، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می کند.»

اما برای هر انسان ضروری است که در تهیه و مصرف وسایل زندگی خود باید حد اعتدال را رعایت کند؛ زیرا هرگونه جمع آوری وسایل غیر ضروری و کم مصرف و نادرست، اسراف به شمار می آید. از این رو امام صادق (ع) در مورد فرماید: فِرَاشٌ لِلرَّجُلِ وَ فِرَاشٌ لِأَهْلِهِ وَ فِرَاشٌ لِصَیْفِهِ وَ الْفِرَاشُ الرَّابِعُ لِلشَّيْطَانِ (ابن بابویه، محمدبن علی، الخصال، ج ۱ ص ۱۲۰)؛ در منزل، بستری برای مرد خانه و بستری برای خانواده و بستر سومی برای میهمان لازم است و بستر چهارم - اضافی است - برای شیطان خواهد بود. برآستی آیا تهیه دهها دست رختخواب بدون استفاده، گسترش دکوراسیونها و فراهم کردن مبلمانهای گران قیمت و مانند آن از مظاهر عمل برای شیطان نیست؟ البته وضعیّت و موقعیّت افراد در این باب متفاوت است و هر کس مطابق شأن خود باید وسایل منزلش را فراهم نماید و آنچه فوق شأن خانواده ها باشد، از وجوه اسراف و حرام خواهد بود.

۲-۵. وسیله نقلیه

در احادیث، داشتن مرکب خوب و راهوار از سعادت انسان شمرده شده است. مرکب، در زمانهای گذشته منحصر در اسب و قاطر و الاغ و... بوده و امروزه اتومبیل و موتور و مانند



آن‌ها را نیز شامل است. گفتنی است که اسلام، تجاوز از میانه روی را در همه امور زندگی، از جمله، در وسیله نقلیه اسراف می‌داند. چنانچه امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَتَرَى اللَّهَ إِتْمَنَ رَجُلًا عَلَى مَالٍ يَقُولُ لَهُ أَنْ يَشْتَرِيَ فَرَسًا بِعَشْرَةِ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ تُجْزِيهِ فَرَسٌ بِعِشْرِينَ دِرْهَمًا وَ يَشْتَرِي جَارِيَةً بِأَلْفٍ وَ تُجْزِيهِ جَارِيَةٌ بِعِشْرِينَ دِينَارًا ثُمَّ قَالَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۲ ص ۱۳)؛ آیا گمان داری بخاطر داشتن مال فراوانه کسی مجاز است اسبی را به ده هزار درهم بخرد، در حالی که اسب بیست درهمی او را کفایت می‌کند؟ مگر نه این است که خداوند فرموده: اسراف نکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد!». حال کسی که با داشتن یک اتومبیل پیکان، نیازش برآورده می‌شود، آیا مجاز است خودروهای گران‌قیمت خارجی خریداری نماید؟

۲-۶. اسراف در هزینه‌های ازدواج

یکی از مصادیق اسراف، مجلس عقد و عروسی گران قیمت است. اسراف در هزینه‌های ازدواج دارای انواع مختلفی است. سنگین گرفتن مهریه‌ها و از حد گذشتن در این باره، باوجود اینکه در روایات اهل بیت (ع) کم گذشتن آن بسیار سفارش شده است. چنانچه پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُحُنَّ وَجِهًا وَ أَقْلُهُنَّ مَهْرًا» (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۳۲۴)؛ بهترین زنان امت من کسانی هستند که صورتشان از همه زیبا و مهریه شان کمتر است. امام صادق (ع) نیز در این باره فرموده اند: «أَنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا» (ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۷)؛ از برکات زن کمی مهریه اوست. و همچنین زیاده‌روی در خریدن (جهیزیه)، به‌ویژه مطالبه کالاهای لوکس و تجملاتی که بیشتر ناشی از حس هم‌چشمی و رقابت یا خودنمایی و فخرفروشی است، از مصادیق اسراف می‌باشد. علاوه بر این هزینه‌های سنگین برای ولیمه و تالار نیز از جمله مصادیق اسراف در امور ازدواج می‌باشد. چون اسلام امرولیمه دادن به سادگی توجه داشته است. چنانچه امام می‌فرماید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ حِينَ تَزْوَجَ - مَيْمُونَةَ بِنْتَ الْحَارِثِ أَوْلَمَ عَلَيْهَا وَ أَطْعَمَ النَّاسَ الْحَيْسَ»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۳۶۸) پیامبر خدا در هنگام تزویج «میمونه» دختر «حارث» ولیمه داد و با غذای معجون

خرما از حاضرین پذیرایی فرمود. در برخی کشورها مردم سه روز ولیمه می دهند درحالی که روایات اهل بیت (ع) بیشتر از دو روز را از ریاکاری شمرده است. چنانچه پیامبر گرامی اسلام (ص) در این زمینه فرمودند: «الْوَلِيمَةُ أَوْلَ يَوْمٍ حَقٌّ وَ الثَّانِي مَعْرُوفٌ وَ مَا زَادَ رِيَاءً وَ سُمْعَةً» (همان، ج ۵، ص ۳۶۸)؛ دعوت روز اول (درعروسی) به حق است و دعوت روز دوم احسان و نیکی است و دعوت روز سوم خودنمایی و شهرت طلبی.

نتیجه

اسراف به معنای تجاوز از حد اعتدال در هر کاری است. دین اسلام بهره‌برداری مشروع از نعمت‌های الهی را مباح شمرده، ولی زیاده‌روی را حرام و ناروا و از گناهان کبیره می‌داند. روایات اهل بیت (ع) برای پیامد‌هایی برای اسراف کنندگان در دنیا و آخرت بیان نموده است. و باوجود آن که تشخیص موضوع‌های گوناگون احکام، بیشتر به عهده عرف و مکلف گذاشته شده است؛ برای ضابطه مند کردن تشخیص عرفی، در روایات اهل بیت (ع) چهارچیز (تضییع، امکانات مادی بیش از نیاز، صرف مال در معصیت و عدم رعایت اولویت در به‌کاری‌گیری سرمایه‌های شخصی و ملی) معیارهای اسراف بیان شده است. اسراف و تبذیر، یکی از مشکلات جوامع است مصرف‌گرایی و زیاده‌روی در مصرف، مشکلات اقتصادی بسیاری برای جوامع ایجاد کرده است. مشکل اسراف آن چنان در تار و پود جوامع ریشه دوانده است که صرفه‌جویی و جلوگیری از اسراف و تبذیر به عنوان یکی از راه‌حلهای اساسی تنظیم اقتصاد جوامع به خصوص جامعه اسلامی مطرح می‌شود.

فهرست منابع

قرآن مجید

نهج البلاغه

۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۲. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ق.
۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۸، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۵. صدوق، محمد بن علی، الخصال، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ق.
۶. صدوق، محمد بن علی علل الشرایع، قم، کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۷. صدوق، محمد بن علی، ثواب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
۸. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۹. طوسی، محمد بن الحسن، استبصار، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن بیروت دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۱۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر مفاتیح الغیب بیروت دار احیاء التراث العربی ۱۴۲۰ ق.
۱۶. کلینی، محمد ابن یعقوب، کافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.